

دو سوی ارس

پس از آنکه در ۲۷ آوریل ۱۹۲۰ برابر با ۷ اردیبهشت ۱۲۹۹ کمونیست های روسی ماورای ارس را تصرف کردند و مجدداً این خطه زیر سلطه روس ها قرار گرفت، جلیل محمد قلی زاده در حدود کمتر از یک ماه پس از هجوم روس ها در بهار سال ۱۲۹۹ (ژوئن ۱۹۲۰) رهسپار تبریز شد.

«جلیل محمد قلی زاده مدت یک سال در تبریز اقامت نمود و در این مدت به نشر مجله ملانصر الدین ادامه داد.»^۱
در کتاب قربانعلی بیک و ۹ داستان دیگر که مرحوم جلیل محمد قلی زاده شرح مسافرت خود به ایران را در صفحات ۶۱ تا ۹۸ در قالب داستان تسبیح خان بیان می کند، در آخر داستان اشاره به سال ۱۹۲۸ دارد و به نظر می رسد که در آن سال ها نیز هنوز مرادوات بین دو سوی ارس جریان داشته است، البته شرح مسافرت جلیل محمد قلی زاده به تبریز در قالب داستان تسبیح خان اگر مربوط به سفر اول (بعد از وقوع اشغال ماورای ارس توسط روس های بلشویک) باشد مربوط به همان سال ۱۹۲۰ است و اگر نویسنده سفر دومی به تبریز (آذربایجان) داشته باشد. می شود سال ۱۹۲۸ را تاریخ این سفر قرار داد.^۲
به نظر می رسد روس ها تا حدود سال های ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸ هنوز تسلط کامل بر قفقاز پیدا نکرده و بنابراین آخرین مرادوات بین دو سوی ارس در حدود همین سال ها انجام شده است، نویسنده عدم تسلط روس ها را به طور کامل بر قفقاز در داستان دیگری به نام «انشاءالله پس می دهد» نشان می دهد. این داستان حکایت چند نفر از متمولین قفقازی را بیان می کند که در سال ۱۹۲۳ هنوز به امید آمدن انگلیسی ها جهت دفع شر کمونیست ها هستند.

جلیل محمد قلی زاده در این داستان به دیدار و آشنایی با این افراد که به وسیله دوستش بالاکاداش انجام شده، اشاره می کند و در بیان تاریخ دیدار این افراد و دیدار دوست خود بالاکاداش هنرپیشه معروف در ابتدای داستان خود می گوید: «روزی درست یادم هست، ۱۲ سپتامبر ۱۹۲۳ بود با بالاکاداش، هنرپیشه معروف آذربایجانی که در تئاتر (ساتراگیت) بازی می کرد، کاری داشتم و او را می جستم و به خانه او رفتم ولی نیافتمش و عازم بولوار شدم به امید آنکه با وی ملاقات کنم، ناگهان بالاکاداش را دیدم که از آخر بولوار به طرف من می آید. پس از تعارفات معمولی من توجه بالاکاداش را اصلاً اهل باکو بود به این چهار نفر جلب کرده، پرسیدم، آنها را می شناسد؟ بالاکاداش خندید و گفت: ملا چه پیشامد خوبی برویم پیش شان.»

البته علاوه بر تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۲۳، (۲۱ شهریورماه ۱۳۰۳ شمسی) در آخر داستان تاریخ ۱۹۲۶ قید شده است.^۳

با توجه به اینکه با قدرت گرفتن و تسلط دولت روسیه شوروی بر مناطق قفقاز تقریباً کلیه مراودات مردم این مناطق با ایران قطع شد، لازم است به گوشه ای از حوادث پیش آمده ناشی از وقوع انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ اشاره ای گذرا داشته باشیم. پس از واقعه سال ۱۹۱۷ با توجه به اینکه بلشویک ها در قفقاز چندان نفوذی نداشتند، اقوام و ملل گوناگون قفقاز کماکان تحت حکومت (کمیساریای ماورای قفقاز) یکپارچگی خود را حفظ کردند، در این شرایط نیروهای عثمانی که در جبهه بین النهرین شکست خورده بودند، توجه خود را به قفقاز معطوف داشته و در ژانویه سال ۱۹۱۸ برابر با ربیع الاول سال ۱۳۳۶ هجری قمری (۱۲۹۶ هجری شمسی) حمله سراسری خود را به قفقاز شروع کردند.

صلح بلشویک ها با آلمان و متحدانش در برست لیتوسک (۱۹۱۸ میلادی) که به واگذاری نواحی قارص، اردهان و باطوم به ترک ها منجر شده بود، موقعیت ملل قفقاز را در دفاع از این مناطق متزلزل ساخته و آنها با توجه به فروپاشی قدرت مرکزی و پیشروی ترک ها، در فاصله بین ۲۶ تا ۲۹ ماه مه ۱۹۱۸ (۵ تا ۸ خرداد ۱۲۱۹ شمسی) به نام سه جمهوری مستقل ارمنستان، آذربایجان و گرجستان اعلام استقلال کردند.۴

البته گرچه یکی از علل مهم این تصمیم ملل قفقاز در اعلام جمهوری های مستقل را می توان به جهت پیشروی ترک ها و توجه آنها به طرف قفقاز دانست، اما با بررسی تحولاتی که در آن هنگام رخ داده می توان دخالت انگلیس ها را نیز از جمله عوامل تشکیل این جمهوری ها دانست، که یکی از علل توجه انگلیس ها به این موضوع این بود که: تغییر رژیم روسیه در اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران اثر عمیقی بخشید و فشار نظامی روس تزاری که بیش از یک قرن روی سینه ایران سنگینی داشت ناگهان برطرف و برای میهن پرستان ایرانی روزنه امیدی نمودار گردید.۵

خصوصاً به اینکه دولت روسیه شوروی نیز تاکید فراوان در جلوگیری از تضييع حق ايران و لغو کليه قراردادهاي ظالمانه روسيه تزاری داشت و به همین منظور و در راستای این سیاست های دولت شوروی بود که براوین قنصل دولت سابق تزاری در خوی که به مجرد انقلاب به رژیم جدید اظهار علاقه کرده بود و به سمت نمایندگی دولت انقلابی در دربار ایران تعیین شده بود در ربیع الثانی سال ۱۳۳۶ هجری قمری وارد تهران شد و در بهمن ماه ۱۲۹۶ آماجی خود را برای الغای تمام معاهدات نامشروع که به زور سرنیزه دولت سرنگون شده تزاری با دولت ایران بسته بود اعلام نمود و در ژانویه ۱۹۱۸ تروتسکی کمیسر خارجه دولت جدید روسیه شوروی نیز طی مراسله ای به سفارت ایران الغای عهود سابقه را اعلام کرد.۶ اگر به تاریخ اعلام استقلال جمهوری های مورد اشاره توجه کنیم، همگی آنها در فاصله ۲۶ تا ۲۹ ماه مه ۱۹۱۸ (۵ تا ۸ خرداد ۱۲۹۷ هجری شمسی) اعلام استقلال

کردند و این در حالی است که براوین نماینده دولت بلشویک چهار ماه قبل از آن یعنی در ربیع الثانی ۱۳۳۶ هجری قمری (ژانویه ۱۹۱۸) وارد تهران شده و تمام معاهدات ظالمانه دولت تزاری با ایران را ملغی اعلام کرده بود و در ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ (۲۴ دی ماه ۱۲۹۶ شمسی) تروتسکی نیز لغو کلیه معاهدات دولت تزاری با ایران را اعلام کرد و نیز در خلال این احوال یعنی در کابینه وثوق الدوله کالامیتسف نماینده دولت شوروی جهت عقد قرارداد با هیاتی که تعداد آنها از مرد و زن گویا به ۱۷ نفر می رسید، به طرف ایران حرکت نمود که در مازندران او و عده ای از همراهانش را بر اثر توطئه ای اعدام می کنند. این عده در یک دادگاه فرمایشی به وسیله «استاروسلسکی» محاکمه و تیرباران شدند و قبور آنها در نزدیکی شهر ساری است. ضمن تحقیقاتی که بعداً به عمل آمد، معلوم شد نماینده مزبور متن عهدنامه جدید ایران و شوروی را که در شانزده ماده تنظیم شده بود، همراه داشته که پس از ورود به تهران به اولیای دولت ایران جهت امضا ارائه نماید. می گویند در عهدنامه مزبور قسمتی از قفقاز هم در مقابل شناسایی رژیم جدید شوروی به دولت ایران واگذار شده بود. «اگر این عهدنامه امضا شده بود، به مراتب از عهدنامه ثانی که بعداً تنظیم گردیده، بهتر و نافع تر و از هر جهت بیشتر حافظ منافع ایران بود.»^۷

به هر ترتیب دولتهای مستقل قفقاز تشکیل شدند و در مناطق اران، گنجه شروان باکو و لنکران جمهوری آذربایجان تشکیل شد. دولتی که در سال ۱۹۱۸ با عنوان جمهوری آذربایجان تشکیل شد، دو سال پس از بنیانگذاری به همراه دو جمهوری گرجستان و ارمنستان عاقبت در سال ۱۹۲۰ مجدداً تحت عنوان جمهوری آذربایجان شوروی در دامن روس ها افتاد. «ظهر روز ۲۷ آوریل ۱۹۲۰ برابر با هفتم اردیبهشت ماه سال ۱۲۹۹ هجری شمسی بلشویک ها با دولت آذربایجان اتمام حجت کردند که در عرض ۱۲ ساعت حکومت را تحویل دهند و پس از آن دولت جمهوری آذربایجان در عرض چند ساعت سقوط کرد و نیروهای بلشویک بدون رویارویی با هر مقاومتی وارد باکو شدند.»^۸

پس از تسلط روسیه شوروی بر کشورهای قفقاز بالاخره در تاریخ ۲۶ فوریه سال ۱۹۲۱ برابر با هشتم اسفندماه سال ۱۲۹۹ خورشیدی قرارداد مودت بین ایران و شوروی منعقد شد و گرچه در این قرارداد تا حدودی به حقوق ایران توجه شده و تزییع حقوق ایران به وسیله دولت تزاری محکوم شده بود، اما مرزهای قدیمی ایران و روسیه تزاری در منطقه قفقاز مجدداً تثبیت و تأیید شد و از آن تاریخ دیواری آهنین دو طرف رود ارس را به مدت ۷۰ سال از هم جدا کرد و کلیه مراودات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ایران با آن سوی ارس قطع شد. این امر موجب ضرر اقتصادی زیادی برای ایران شد. زیرا «از حیث اقتصادی در دوره تزار سود بیشتری عاید بازرگانان ایران به ویژه در قسمت های شمالی می شد و عده کثیری از تجار ایران در مراکز تجارتي

مسکو، تفلیس، رستف، عشق آباد، حاجی ترخان و بادکوبه سکونت داشته و عواید فراوان به دست می آوردند. یعنی امتعه روسی از قبیل شکر، چای، منسوجات، شیشه آلات، آهن و غیره را ارزان می خریدند و گران می فروختند. همین طور اجناس صادراتی ایران از هر قبیل حتی پوست انار و سم چهارپایان در بازارهای روسیه به بهای طلا معامله می شد. اما بعد از انقلاب ولایات شمالی ایران که قبلاً ثروت سرشاری داشتند، کم کم رونق بازار خود را از دست دادند.»^۹

اما مهمتر از قطع روابط تجاری و اقتصادی، قطع مراودات و روابط مردم دو سوی ارس بود که براساس مشترکات فرهنگی و تاریخی حتی پس از عقد قراردادهای گلستان و ترکمانچای همچنان ادامه داشت و از بین رفتن این روابط حسنه و صمیمانه برای آنان که به تاریخ گذشته مشترکشان افتخار می کردند، بسیار سخت و دردناک بود.